

# **Women's Employment Model in Iran's Islamic Revolution Discourse: Examining and Drawing the Discourse Nuclei from Ayatollah Khamenei's Perspective**

**Zahra Emami**

Phd student, Department of Political Thought, Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, zahra.emami558@gmail.com

**Ahmad Bakhshayesh Ardestani**

Professor, Department of Political Thought, Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, ahm.bakhshayeshiardestani@iauctb.ac.ir

**Mohammad Tohidfam**

Associate Professor, Department of Political Thought, Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, tohidfam\_m@yahoo.com

**Hojjatollah Darvishpour**

Assistant Professor, Department of Political Thought, Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, dr.darvishpur2018@yahoo.com

## **Abstract**

Women's employment, its possibility or subordination, has been a serious and questionable issue for women within the discourse of the revolution as well as for its external critics after the victory of the Islamic Revolution. This paper, with a central focus on Ayatollah Khamenei's books, positions, and speeches, aims at enumerating the discourse nuclei for permissibility or impermissibility of women's employment as well as its perceived limits. As far as women's employment is concerned, Islamic Revolution discourse from Ayatollah Khamenei's standpoint, specifically

its framework, is in some ways in line with modern discourse- however, it is in some other ways different from or even in some aspects in sharp contrast with the latter. Accordingly, Islamic revolution discourse paves the way for a quite different life style. This study— theoretically on the basis of Ayatollah Khamenei's third model of womanhood and methodologically using the discourse analysis approach of Laclau and Moff (2001) and library data collection — introduces the relevant discourse nuclei .The results indicate that in Ayatollah Khamenei's view, women's employment and social action are not only irreprehensible but also necessary for the development of the Islamic society. Five major reidentified nuclei in this regard show his concern for the simultaneous development of women at the individual, family, and social levels. These discourse nuclei are as follows: employment as an example of human rights, agreement as well as the need for women's employment without any harm to their health and dignity, maintaining the proper spiritual status of women in employment including their chastity and dignity, balance of family roles including spousehood, motherhood, child-rearing, their social imaginary , and finally avoiding any kind of mixing and masculinity in women's employment.

The enumerated discourse reflects the lack of the originality of the modern logic and its being merely individualistic and believing in gender equality, i.e., absolute similarity of men and women in the field of employment, which form the basis of feminist and Western views.

Keywords: Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei, Discourse, Women's Employment, Family, Gender Equality

# الگوی اشتغال بانوان در گفتمان انقلاب اسلامی: بررسی و ترسیم هسته‌های گفتمانی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

زهرا امامی

دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تهران ایران  
zahra.emami558@gmail.com

احمد بخشایش اردستانی

استاد گروه اندیشه سیاسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تهران ایران (نویسنده مسئول)  
ahm.bakhshayeshiardestani@iauctb.ac.ir

محمد توحیدفام

دانشیار گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تهران ایران  
tohidfam\_m@yahoo.com

حجت‌الله درویش‌پور

استادیار گروه علوم سیاسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تهران ایران  
dr.darvishpur2018@yahoo.com

## چکیده

اشتغال زنان، امکان یا اتباع آن، پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای زنان درون گفتمان انقلاب و همچنین، برای منتقدان بیرونی آن یک مسئله‌ی جدی و سؤال‌برانگیز بوده است. مقاله‌ی حاضر با تمرکز بر اعلام مواضع، سخنرانی‌ها و آثار آیت‌الله خامنه‌ای به احصاء هسته‌های گفتمانی در عدم یا تجویز اشتغال برای زنان و همچنین، حدود و ثغور متصور برای آن می‌پردازد. گفتمان انقلاب اسلامی در حوزی اشتغال زنان و به طور مشخص صورت‌بندی آن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای از جهاتی با گفتمان مدرن در تطابق است و از جهاتی تفاوت‌ها یا حتی تناقضات آشکاری دارد که یک سبک زندگی

متفاوت را برمی‌سازد. به لحاظ نظری مطالعه‌ی حاضر با تکیه بر نظریه‌ی الگوی سوم زنانگی آیت‌الله خامنه‌ای و به جهت روش‌شناسی با استفاده از تحلیل گفتمان با رویکرد لاکلا و موف (۲۰۰۱)، ضمن جمع‌آوری داده به روش کتابخانه‌ای، هسته‌های گفتمانی مربوطه را مشخص می‌کند. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد؛ از نظر آیت‌الله خامنه‌ای اشتغال زنان نه تنها امری مذموم نیست؛ بلکه اشتغال و کنش اجتماعی امری لازم برای پیشرفت جامعه‌ی اسلامی به حساب می‌آید. پنج هسته‌ی اصلی بازشناسایی شده در این باب، دغدغه‌ی ایشان برای تکامل زن همزمان در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی را نشان می‌دهد. این هسته‌های گفتمانی بدین شرح‌اند: اشتغال به مثابه‌ی یک مصداق حقوق انسانی، توافق بلکه لزوم اشتغال زنان معطوف به حفظ سلامت و عزت ایشان، حفظ شئون معنوی و روحی مناسب زنان در اشتغال از جمله خصلت‌های عفت و شرافت، تعادل نقش‌های خانوادگی اعم از همسری، مادری و تربیت فرزندان و نقش‌پذیری اجتماعی و نهایتاً، عدم اختلاط و مردانگاری در اشتغال زنان. گفتمان احصاء شده، نشانگر عدم اصالت منطق مدرن و فردگرایانه‌ی صرف و برابری جنسیتی به معنای شباهت مطلق زن و مرد در عرصه‌ی اشتغال است که اساس نگاه‌های فمینیستی و غربی را تشکیل می‌دهند.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان، اشتغال زنان، خانواده، برابری

جنسیتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۴۱، زمستان ۱۴۰۰، صص ۷۲۱-۷۶۰

## مقدمه و بیان مسئله

با عنایت به نقش حیاتی زنان در پیروزی و تحقق انقلاب اسلامی، تغییر پارادایمی و تبدیل موضوع زنان از یک موضوع «درجه‌ی دوم» و «در حاشیه» به یک موضوع «مرکزی» و «ولویت‌دار» (Najmabadi, 1998, p. 60) و پذیرش زنان به عنوان یک کنشگر فعال اجتماعی و اقتصادی پس از تأسیس جمهوری اسلامی مورد نظر بسیاری از مشاهده‌گران آن از بیرون بوده است (Mir-Hosseini, 2007, p. 74). بهرامی‌تاش در مقاله‌ی خود با عنوان «انقلاب، اسلامی‌سازی و اشتغال (۲۰۰۳)» اساساً، هویت انقلابی و کنش اجتماعی زنان پس از انقلاب را در قالب مقوله‌ی اشتغال، مورد بررسی قرار داده است و آن را بستری برای سنخ‌شناسی کلان‌تر رویکرد انقلابیون نسبت به زنان ارزیابی می‌کند.

تاریخ‌نگاران حوزه‌ی زنان معتقدند؛ اشتغال زنان در صورت‌ها و سطوح مختلفی مانند راهبه، پرستار بخصوص در جنگ، شاعران و سخنوران با ظرفیت نقد اجتماعی و سیاسی در بافتار در جوامع اسلامی به صورت یک عرف، حتی پیش از اسلام وجود داشته است (Ahmed, 1992, p. 62). بهره‌وری اقتصادی، کسب درآمد و فعالیت اقتصادی زنان پس از ظهور اسلام نیز نه تنها افول نکرد؛ بلکه در آیات و روایات منتسب به شخص حضرت رسول (ص) و امامان شیعه(ع) بر آن صحه گذاشته شده است. در ادبیات وسیعی از این حیث، مشاغلی مانند سازنده‌ی صنایع دستی، نخ‌ریسی و پارچه‌بافی، بازرگانی، طب، امور اداری و حسابداری در بازار، ساربان‌ی، چوپانی، آشپزی، دایگی و مشاغل خدماتی مانند نظافت، امور منازل و ... نام برده و

حتی تحسین شده است (سعیدزاده، ۱۳۸۷).

بدین ترتیب، اسلام با سبقه‌ی طولانی حق زن بر اشتغال را از ابتدا مشروع فرض کرده و هرچند در مصادیق آن، تفاوت‌هایی با مردان قائل شده است، در اصل برخورداری از اشتغال و کنش اجتماعی، هیچ‌گاه زنان از دید اسلام محروم نبوده‌اند. بدین ترتیب، مراجع علمی جهان اسلام مانند مطهری معتقد هستند؛ تشویق نظام‌های سرمایه‌داری به حضور زن در جامعه و بازار بوده است به‌نحوی که، مطامع کارخانه‌داران موجب شده که استقلال مالی زن را به رسمیت بشناسند و در این زمینه قانون وضع نمایند. هرچند، انگیزه‌ای که سبب شده، اسلام به زن استقلال مالی بدهد، جزء جنبه‌های انسانی، عدالت‌دوستی و الهی اسلام نبوده است (مطهری، ۱۳۷۸، ص. ۲۱۶).

اشتغال زنان در غرب و در ابعاد بین‌المللی نیز، دستخوش تغییراتی بوده و از انزوای محض تا پذیرش و تشویق پس از انقلاب صنعتی و سپس، بروز جنگ‌های جهانی رفته‌رفته تغییر ماهیت داده است، اما علاوه بر بسترهای اقتصادی، فلسفه‌ی جنسیت و نگاه به شأن فردی و اجتماعی زن، عوامل تعیین‌کننده‌ای در تعریف جایگاه شغلی، انواع مشاغل و استانداردهای اشتغال زن در جوامع گوناگون محسوب می‌شوند.

اشتغال زنان بر این اساس می‌تواند، برآیندی از نگاه به زن و کنش‌گری وی را منعکس کند که مبتنی بر تفاوت‌های بنیادین گفتمانی میان نگاه لیبرال سکولار و نگاه اسلامی قابل تفکیک است. چنان‌که، فمینیسم لیبرال، اشتغال زن را با حضور وی خارج از خانه، اولویت اشتغال و کسب درآمد بر روابط خانوادگی، به معنای حرکت به سوی تقسیم کار ۵۰/۵۰ بین زن و مرد در اقتصاد خانواده، امور منزل و فرزندداری، تعریف کرده است. بر مبنای دو اصل فردگرایی و تساوی و تشابه مطلق میان زنان و مردان، راهبرد اقتصادی فمینیسم لیبرال برای زنان را می‌توان رشحاتی از انسان‌شناسی اومانستی و عقلانیت ابزاری به حساب آورد. حضور زن در اجتماع بدین ترتیب تابعی از فلسفه‌ی شکل‌دهنده به آن تمدن قلمداد می‌شود (قیطانچی، ۱۳۹۰، ص. ۳۴).

در مقابل، اسلام ضمن شناسایی حق زن بر اشتغال و حضور اجتماعی، محدوده‌ی رفتاری و تعاملی وی و اطرافیان را تعریف کرده است. اینکه، شغل زن شایسته و توأم با حفظ شرافت وی باشد، با مصالح زندگی خانوادگی در هماهنگی و تطابق باشد، رفتار توأم با حیا در محیط اجتماعی و تعاملات از هرگونه فساد اخلاقی جلوگیری کند (Galloway, 2014)، اما باید در نظر داشت در هیچ کشور مسلمانی، حکومت مردم‌سالارانه‌ی دینی حاکم نیست و نگاه علما و رهبران دینی در ایران می‌تواند، به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی، اساس سیاست‌گذاری و اجرا در تعامل با بدنه‌ی جامعه قرار بگیرد؛ لذا مقاله‌ی حاضر با تعمق در آرای آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان یکی از بنیانگذاران فکری و فلسفی انقلاب اسلامی و عالی‌ترین سطح اجرایی در جمهوری اسلامی، نگاه وی به مقوله‌ی ضرورت و کیفیت اشتغال زنان، را مورد بررسی قرار خواهد داد. با استفاده از روش تحلیل گفتمان، بدین ترتیب، تلاش شده، مؤلفه‌های کیفی در ترسیم الگوی اشتغال زنان در گفتمان انقلاب اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای احصاء شود و این از آن حیث، اهمیت دارد که عموماً در ادبیات دانشگاهی مدرن، کمتر به ابعاد واقعی چنین گفتمانی، به دور از انگاره‌های شرق‌شناسانه، دقت شده است. ضمناً، الگوی اشتغال از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در پرتو نظریه‌پردازی و تحقق «الگوی سوم» زنانگی، رویه‌ای مستقل و انقلابی میان سنت و مدرنیته، معنا یافته است و از این جهت یک مدل بدیع در ادبیات توانمندسازی زنان به حساب می‌آید.

## ۱- اهداف و سؤالات پژوهش

هدف پژوهش حاضر، ایجاد دانش نسبت به صورت گفتمانی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله‌ی اشتغال زنان است. آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه منحصر به فرد مرجعیت دینی و مرجعیت اجتماعی و سیاسی، نقطه نظر خاصی درباره‌ی حق زن بر اشتغال و حدود و ثغور آن دارد که تاکنون چندان در یک منظومه‌ی منسجم مورد بررسی قرار نگرفته است. بدین ترتیب، سؤال اصلی پژوهش، ترسیم هسته‌های گفتمانی و احصاء مؤلفه‌های کیفی الگوی اشتغال زنان

در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای به نمایندگی از انقلاب اسلامی خواهد بود.

## ۲- پیشینه پژوهش

هرچند، آثار متعددی در تبیین نگاه اسلام به زن و شأن اجتماعی وی پیش از این منتشر شده است، اما الگوی اشتغال و حضور اجتماعی-اقتصادی وی همچنان با تردیدها و سؤالات بسیاری روبه‌روست؛ بنابراین، مطالعه‌ی حاضر با بررسی ادبیات موجود، تلاش می‌کند، بخشی از کاستی دانش در این حوزه را جبران نماید. در این مسیر آثار مرتبط بسیاری، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

از برجسته‌ترین آثار این حوزه، کتاب «نظام حقوق زن در اسلام»-مجموعه مقالات منتشر شده از مرتضی مطهری- است که در واقع در طی سال‌های ۴۵ و ۴۶ شمسی در مجله‌ی «زن روز» با عنوان «زن در حقوق اسلامی» منتشر می‌شده است. این مقالات در پاسخ به سلسله مقالاتی نگارش یافت که در آن‌ها پیشنهادهایی درباره‌ی تغییر قوانین مدنی مربوط به حقوق خانواده و بر ضد نصوص مسلم قرآن عرضه گردیده بود، مطهری در تلاش بوده با پاسخهای متقن و مستدل خود به این پیشنهادها در واقع نظام حقوق زن را در مکتب متعالی اسلام طرح و تدوین نماید. وی مسائلی همچون خواستگاری، ازدواج موقت، زن و استقلال اقتصادی، اسلام و تجدد زندگی، مقام زن در قرآن و مسائل متنوع دیگری را مورد بحث و تحقیق عالمانه قرار داده است. وی در عین پذیرش این امر که مقتضیات عصر ما ایجاب می‌کند، بسیاری از مسائل مجدداً مورد ارزیابی قرار گیرد و به ارزیابی‌های گذشته، بسنده نشود و اینکه «نظام حقوق و تکالیف خانوادگی» از جمله‌ی این سلسله مسائل است؛ دیدگاه منتقدانه‌ای به این نکته دارد که مسئله‌ی اساسی در این زمینه «آزادی» زن و «تساوی حقوق» او با مرد تلقی شده است و همه‌ی مسائل دیگر فرع این دو مسئله است.

در مورد حقوق زن در اجتماع تردید و پرسشی مطرح است که آیا حقوق طبیعی و انسانی زن و مرد همانند و متشابه است یا ناهمانند و نامتشابه؟ یعنی آیا خلقت و طبیعت که یک



سلسله حقوق به انسان‌ها ارزانی داشته، آن حقوق را دوجنسی آفریده است یا یک‌جنسی؟ آیا «ذکوریت» و «انوثیت» در حقوق و تکالیف اجتماعی راه یافته یا از نظر طبیعت و در منطق تکوین و آفرینش، حقوق یک‌جنسی است؟ اصل اساسی مورد توجه این گروه، این نکته بود که انسان بالفطره و به فرمان خلقت و طبیعت، واجد یک سلسله حقوق و آزادی‌هاست، این حقوق و آزادی‌ها را هیچ فرد یا گروه، به‌هیچ‌عنوان و با هیچ نام نمی‌توانند، از فرد یا قومی سلب کنند؛ حتی خود صاحب حق نیز نمی‌تواند به میل و اراده‌ی خود، آن‌ها را به غیر منتقل نماید و خود را از اینها رها سازد و همه‌ی مردم اعم از حاکم و محکوم، سفید و سیاه، ثروتمند و مستمند در این حقوق و آزادی‌ها با یکدیگر «متساوی» و برابرند. در اینکه مطهری در آن زمان مطالب خوب با غنای تئوریک و نظری بالا مطرح نموده شکی نیست؛ اما از نظر نگارنده‌ی این سطور، یکی از اشکالاتی که در استفاده‌ی این کتاب برای مخاطب امروز جامعه وجود دارد، زمان نگارش آن است که به بیش از ۵ دهه‌ی گذشته باز می‌گردد. بی‌شک واضح و مبرهن است که نظام مسائل زنان در آن حوزه به صورت کامل با مسائل امروز انطباق ندارد، البته این به معنای رد آن اثر فاخر نیست؛ بلکه به معنای متفاوت‌شدن مسائل جامعه در دوره‌های مختلف است. هرچند به جهت خصوصیت آینده‌نگری مطهری برخی از آن مسائل، هنوز وجود دارد و ایشان در این کتاب به آن‌ها پاسخ گفته است.

دومین اثر مورد توجه در این زمینه، کتابی با عنوان «نقش و رسالت زن» است که در پنج جلد به نگارش درآمده است. این مجموعه، جمع‌آوری طبقه‌بندی‌شده از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای از اول انقلاب تا سالهای اخیر بوده است. نویسنده در جلد اول کتاب که در موضوع عفاف و حجاب نگارش شده، در جستجوی فهم اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص تعریف عفاف و حجاب بوده است. این اثر، اساس مطلب خویش را تعادل در روابط زن و مرد قرار داده و حضور زن در جامعه را با لحاظ متانت، حیا و حفظ تعادل مورد نظر قرار داده است. جلد دوم که «الگوی زن» نام دارد؛ حاوی گزیده‌ای از بیانات ایشان درباره‌ی موضوع الگوی زن است که مطالب آن در ده بخش تنظیم شده و شامل مباحث مختلفی از جمله «ضرورت و

اهمیت وجود الگوی صحیح در حیات انسان‌ها»، «حضرت فاطمه زهرا (س)»، «الگوی جامع و کامل در عرصه‌های زندگی خانوادگی، اجتماعی و سیاسی»، «جایگاه و مقام معرفتی حضرت زهرا (س)» و نیز «الگوهای زنان عاشورایی، زنان قرآنی و زنان مجاهد عرصه‌ی انقلاب اسلامی» است و دیدگاه انقلاب و نظام اسلامی درباره‌ی موضوع مزبور را ارائه می‌کند. جلد سوم این مجموعه نیز با عنوان «زن و خانواده» در پنج فصل و با عناوین «زن و ازدواج»، «جایگاه زن در خانواده»، «اهمیت خانواده»، «حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده» و «محبت و عواطف زن و شوهر» تنظیم شده است. جلد چهارم این مجموعه با عنوان «جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدّد» منتشر شده است. در این اثر بیشتر به نگاه اسلام و تجدّد به زن پرداخته شده و مطالب این نوشتار در سه محور «اهمیت و ریشه‌یابی مسائل زنان»، «زن در فرهنگ غرب» و «منزلت و جایگاه زن در اندیشه‌ی اسلامی» گردآوری و تنظیم شده است. در همین راستا پنجمین و آخرین جلد این مجموعه با عنوان «عرصه‌های حضور اجتماعی زن» است؛ این کتاب از سه محور «جایگاه اجتماعی زن»، «تعلیم و تربیت زنان» و «نقش زن در انقلاب اسلامی» تشکیل شده است. همانطور که پیش از این طرح شد، این مجموعه‌ی پنج جلدی به طور کامل به نظرات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص موضوعات مختلف مرتبط با «زن» تدوین شده، هرچند که این مجموعه‌ی پنج جلدی از جهت ارائه‌ی نظرات رهبر انقلاب اسلامی به صورت طبقه بندی شده، مهم و برای پژوهندگان موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی راهگشاست؛ ولی می‌توان لااقل دو مورد را در جهت ناکامل بودن این آثار مطرح نمود: نخست، به این دلیل که رویکرد این اثر پنج جلدی صرفاً، بیانات ایشان بوده و از رویکرد تحلیلی بی‌بهره است، از به دست دادن راهکار به پژوهشگر، ناتوان و وی را بی‌بهره گذاشته است. دوم، نگارنده‌ی آن سطور عاجز از بررسی تطبیقی دقیق بین رسالت زن در گفتمان انقلاب اسلامی و غرب امروزی بوده؛ به بیان دیگر، مفروض نگارنده از رسالت زن در غرب را یکپارچه تجسم کرده است، درحالی‌که اگر قرار باشد نقش زن در غرب را به صورت اندیشه‌ای متوجه شویم، باید مکاتب مختلف را از هم تفکیک نمود؛ چراکه حتی در مکاتب فمینیستی، خوانش متفاوتی

در برخی از بخش‌ها به وضوح مشاهده می‌شود. در نتیجه بزرگ‌ترین عیبی که به این کتاب وارد است، مفروض نگارنده بوده و آن بسیط، تجسم‌کردن غرب است. در نتیجه، این دو عیب موجب نقص در کمال این اثر بوده و نتوانسته به راهکاری منجر شود که جایگاه واقعی زنان را بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی و بر پایه و پشتوانه‌ی دین اسلام ترسیم کند.

اثر دیگری که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت مقاله‌ای با عنوان «جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران» نام دارد. در این اثر که به قلم رضا سیمبر و دانیال رضاپور نگارش شده است، به دنبال بررسی یکی از چالش‌های مهم گفتمان انقلاب اسلامی، بر اساس نظرات رهبران انقلاب اسلامی بوده است. هدف نویسندگان این اثر، بررسی افکار رهبران به صورت خطی و فرآیندی‌ست؛ به این معنا که پژوهشگران درصدد بودند، رابطه‌ی سخنان امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای را کشف کنند و در نتیجه استخدام واژه‌های مشترک، دلالت بر این‌همانی در مبانی رهبران انقلاب اسلامی است. موضوع این پژوهش در نوع خود یکی از چالش‌های مهم را به خوبی پاسخ داده است؛ اما وجه تمایز پژوهش حاضر با مقاله‌ی مذکور، تفاوت در اهداف پژوهشی‌ست. این مقاله درصدد است؛ با توجه به گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس نظرات ایشان، اشتغال بانوان را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

مقاله‌ی «بازنگری مبانی فکری-کلامی الگوهای اجتماعی زن»، نوشته‌ی عسگر دیرباز و فاطمه وفایی صدر یکی دیگر از آثار مرتبط با این پژوهش است. نگارندگان در این مقاله به سه الگوی ممکن در رابطه با حضور زن پرداخته‌اند که عبارت‌اند از: الگوی اول «الگوی سنتی»، الگوی دوم «مبتنی بر پارادایم تجدد» و الگوی سوم «الگوی اسلامی». الگوی اول عبارت از، کم‌دیدن زن و دخالت نکردن وی در جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی‌ست. الگوی دوم، ابزار دیدن زن است، این بخش که با دید انتقادی نگارش یافته؛ به دنبال ریشه‌یابی آن، این پارادایم را مختص غرب امروزی دانسته است. الگوی سوم به بعد فردی و اجتماعی زن می‌پردازد که از سوی نگارنده‌ی الگوی مطلوب تعیین شده و نقش اصیل و صحیحی‌ست که دین اسلام برای زن انتخاب کرده و موجب رسیدن به تمدن اسلامی می‌شود.

هرچند، این آثار به ابعاد گوناگون جایگاه زن در اسلام و از جمله حضور اجتماعی وی پرداخته‌اند، اما به طور خاص اشتغال، شئون و کیفیت آن چندان مورد توجه نبوده است. همچنین با ارائه‌ی تصویری از گفتمان انقلاب اسلامی و موضوع زنان همچنان، تمرکز ویژه بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یک رهبر سیاسی در جهان اسلام و معاصر نیازمند تولید ادبیات وسیع‌تر و عمیق‌تر است.

### ۳- ملاحظات مفهومی و نظری ۳-۱- گفتمان

گفتمان در بحث ما، اصطلاحاً به آن اندیشه و دیدگاهی اطلاق می‌شود که توانسته است، در بین مخاطبان به اجمال فهم شود و به دلیل وجود زمینه‌های مساعد، به جریان‌ی فکری تبدیل گردد. باید توجه کرد که گفتمان‌ها در خلأ به‌وجود نمی‌آیند و باید تکیه‌گاه فکری مشخصی داشته باشند؛ به‌عبارت دقیق‌تر، گفتمان‌ها از بطن نظریه‌ها بیرون می‌آیند و هر میزان نظریه‌ها مستحکم‌تر باشند، به‌طور طبیعی گفتمان‌های برآمده از آن‌ها نیز قوی‌تر و بادوام‌تر خواهند بود. شکل‌گیری انقلاب‌ها یا جنبش‌های اجتماعی، به پیدایش یک گفتمان عمومی وابسته است و یکی از ویژگی‌های مهم رهبران در انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی، توانایی به‌وجود آوردن گفتمان توسط آن‌هاست. روشن است که، گفتمان‌سازی فقط کار نظری نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن ایجاد فهم مشترک، هرچند اجمالی، بین مردم و سپس همسو کردن همه یا اکثریت با آن است.

### ۳-۲- گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی، که خود را به نوعی تداوم حرکت انبیا(ع) و متصل به تعالیم آسمانی می‌داند، از ریشه و اساس با گفتمان‌های رقیب خود، مانند سوسیالیسم، کاپیتالیسم و صهیونیسم که بر پایه‌ی نوعی اومانیزم بنا شده‌اند، تفاوت دارد. چنانچه دال مرکزی گفتمان

انقلاب اسلامی را اسلام و هویت اسلامی بدانیم، کاملاً واضح است که جنس آن با دال مرکزی سایر گفتمان‌های معاصر و ماقبل آن فرق می‌کند (جهان‌بزرگی، نبوی، - غلامی، ۱۳۸۸، ص. ۴) و از جمله، ظهور و بروز این تفاوت در مقوله‌ی جنسیت و حقوق و مسئولیت‌های مترتب بر آن هویدا می‌شود.

### ۳-۳- الگوی سوم

گفتمان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از اسلام اصیل، چهره‌ی زن را در دو پارادایم سنتی و مدرن به چالش کشیده است. از سویی، شاهد انواع تبعیض و ستم بر زن در برخی جوامع اسلامی هستیم و دلیل این نقیصه در یک آسیب‌شناسی ساده، عدم شناخت دقیق از اسلام و قراردادن گزاره‌های سنتی محلی و عرفی در پارادایم اسلام است. از سوی دیگر، سیر تاریخی غرب و الگوی باستانی رومی و یونانی که به جهان معاصر هم تا حد زیادی منتقل شده است، تا حد زیادی زن را موجب التذاذ مرد در نظر می‌گیرد و بسیاری از شئون کنش‌گری اجتماعی و اقتصادی زن در غرب، حول انتفاع بیشتر مرد و با نظام‌های مرد-محور کاپیتالیستی می‌گردد. منظور از «الگوی سوم» بر اساس نظرات آیت‌الله خامنه‌ای یک مدل سه ضلعی است که اتفاقاً خود زن و انتخاب‌های او «در متن و مرکز» قرار دارند، لیکن ضمن دیدن حقوق و اصالت انتخاب‌های فردی وی، مسئولیت خانوادگی و اجتماعی او نادیده گرفته نمی‌شود و این دو، بر خلاف افکار فمینیسم لیبرال رایج در تضاد یا تناقض با یکدیگر نیستند. اینجاست که «عقیف‌بودن» و «شریف‌بودن» نیز جایگاه می‌یابد. از آنجاکه، محوریت نظری مقاله‌ی حاضر بر مبنای این الگوی سوم بنا شده است، در بخش‌های بعد بیشتر به جنبه‌های مختلف آن پرداخته خواهد شد.

### ۳-۴- اشتغال زنان

واژه‌ی اشتغال در زبان فارسی به معنی «به کاری پرداختن، مشغول شدن به کاری و به

کاری سرگرم‌شدن» است (دهخدا، ۱۳۷۲، ص. ۱۰۱). در اصطلاح عبارت است از، وظایفی که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و هدفش تولید کالا و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می‌کند. کار در همه‌ی فرهنگ‌ها اساس نظام اقتصادی است (گیدنز، ۱۳۷۲، ص. ۲۰۱). اشتغال سه ویژگی دارد: انجام فعالیت در زمان مشخص و دریافت مزد، وجود فاصله میان محل کار و محل زندگی. بنابراین در اصطلاح متعارف اشتغال، به کارهای تمام‌وقت دارای مزد و بیرون از خانه گفته می‌شود (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۱، ص. ۳۱۸).

### ۳-۵- اصل عدالت

این اصل یکی از بحث‌های مهم فلسفه‌ی سیاسی است که با مباحث «برابری»، «آزادی» و «لیبرالیسم» در هم تنیده است. واژه‌ی عدالت به معنای قراردادن هر شیء در جایگاه خویش است، اما برخی آن را با برابری هم‌تراز گمارده‌اند؛ درحالی‌که، برابری بر یک ارتباط دوسویه میان دو گروه از اشیا و افراد دلالت دارد که با لحاظ نمودن یک یا چند شاخصه‌ی معین دارای کیفیتی برابر باشند (Hyke, 2014, p. 55). این اصل از جمله، مظاهر بارز اومانیزم است که جزء پردامنه‌ترین بحث‌های فمینیستی به معنای یکسانی بدون قید و شرط زنان و مردان در کلیه‌ی امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌گردد (Fraser & Bartky, 2016, p. 216). لذا، نمی‌توان عدالت را اصل برابری دانست و برابری همواره منجر به عدالت نخواهد شد؛ بلکه در جایی که موقعیت‌های انسانی یکسان نیست، این اصل عین بی‌عدالتی خواهد بود (زیبایی‌نژاد - سبحانی، ۱۳۸۸، ص. ۹۲).

در نهایت، مطالعه‌ی حاضر بر اساس مفاهیم ذکرشده تلاش می‌کند؛ نقطه‌ی عزیمت گفتمانی انقلاب اسلامی از گفتمان مدرن غرب-محور را در بازتعریف جایگاه زن بما هو انسان و همچنین، زن در شئون شهروندی نشان دهد. جمهوری اسلامی از اولین مراحل تکوینی خود، ناگزیر از پاسخ‌دادن به سؤالات متعددی از مقوله‌ی جنسیت و جایگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی زن بوده است. بدین ترتیب، تبیین دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بر مبنای اصول

الهی، قوانین طبیعی و متکی بر اصل عدالت‌محوری، امری ضروری در ایجاد دانش نسبت به گفتمان فراگیر انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، دیدگاهی که ضمن تلاش برای ترسیم تصویر متعادلی از مرد و زن در جایگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی، در پی احیای «نگاه صحیح به زن» مبتنی بر «جنس خود و ارزش‌های تعالی‌دهنده‌ی آن» باشد (خامنه‌ای س. ، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲). بدین ترتیب، کمی‌سازی شاخص‌های توسعه و اشتغال برای زنان، برای مثال افتخار به تعداد بیشتر زنان در مناصب سیاسی، چنانکه در گفتمان لیبرالی مدرن غالب است، مطرود و تقلیل‌گرایانه تلقی می‌شود و برعکس، افزایش توسعه‌ی ظرفیت معنوی و افزایش تعداد زنان «روشنفکر و فعال فرهنگی و سیاسی و مجاهد» است که جای بالیدن و افتخار دارد (خامنه‌ای س. ، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲).

#### ۴- روش تحقیق

طبق سؤال پژوهش، جهت احصاء هسته‌های گفتمانی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در باب الگوی اشتغال زنان و حقوق و تکالیف مترتب بر آن، روش تحلیل گفتمان با رویکرد لاکلا و موف (۲۰۰۱) مورد استفاده قرار گرفته است. بر این اساس، سخنرانی‌ها و آثار مکتوب ایشان مورد بررسی قرار گرفته است و مفاهیم مورد تأکید و دارای گردش و تأکید بیشتر در این متون احصاء شده است. لاکلا و موف معتقد هستند؛ «معنابخش‌های شناور»<sup>۱</sup> در گفتمان، جاری و ساری هستند و فرمول‌بندی «نسبتاً ثبات‌یافته»<sup>۲</sup> آن‌ها با غلبه یک گفتمان حاصل می‌شود (Torfing, 1999, p. 99). به عبارتی، در یک «زمینه‌ی گفتمانی»<sup>۳</sup> مانند گفتمان انقلاب اسلامی، عناصری وجود دارد که در نهایت به‌صورتی نسبتاً قوام‌دار در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و «دقائق» گفتمانی را می‌سازند. شناسایی این دقائق گفتمانیما را به تصویری از

1 Floating Signifiers

2 Partially fixed

3 Field of Discursivity

هسته‌های گفتمانی<sup>۱</sup> یا به عبارتی، تم‌های مرکزی و کلان می‌رساند (Dörfler, 2002- Dowd- ing, 2011, p. 193).

جمع‌آوری داده نیز با استفاده از روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است، چنانکه هم آثار مکتوب و شفاهی آیت‌الله خامنه‌ای تجمیع و پس از مطالعه و استخراج مفاهیم مورد تأکید، تم‌های کلان تر گفتمانی، استخراج، تشریح و ترسیم شده که در نمودار شماره ۱ آمده است.

## ۵- یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر تلاش می‌کند به یک سؤال پاسخ بدهد و آن اینکه در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، مقوله‌ی اشتغال زنان، حدود و ثغور و هنجارهای خانوادگی و اجتماعی در این رابطه چگونه ترسیم شده است. بنابراین، لازم است ابتدا زمینه‌ی گفتمانی یعنی جایگاه اشتغال زنان از منظر اسلام و علمای شیعی درک شود. سپس، تمرکز بر ادبیات آیت‌الله خامنه‌ای اعم از بیانات رسمی، تألیفات و ... مورد تمرکز خواهد بود تا هسته‌های گفتمانی از این حیث ترسیم شود.

### ۵-۱- جایگاه اشتغال زنان در اسلام: منطق پشتیبان گفتمان انقلاب اسلامی

از آنجاکه در روش تحلیل گفتمان، متن با فرامتن گره می‌خورد و زمینه‌ی اجتماعی-سیاسی، تولید و مصرف آن اهمیت دارد، در پاسخ به درک گفتمانی از نظرات آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله‌ی اشتغال زنان لازم است؛ ریشه‌های فکری اسلامی، آموزه‌ها و روش‌های بزرگان دینی به عنوان مدل پیش روی دنیای معاصر اسلام، مورد واکاوی قرار بگیرد. ادله‌ی عدم تحریم و بلکه، سازنده بودن مشارکت زنان در مشاغلی با ابعاد مصلحت خانوادگی و اجتماعی بسیار است و مجالی مستقل می‌طلبند. در اینجا اما نمونه‌هایی ذکر خواهد شد که این توافق کلی را نشان می‌دهد.

اسلام در مورد اشتغال زنان، بی‌آنکه قانون صریحی معین کند، به زن اجازه‌ی اشتغال داده



است؛ زیرا دین، همان‌گونه که حق کار کردن مرد را مسلم و بدیهی می‌داند، در مورد زن چنین عقیده‌ای دارد و انجام فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌مندی از درآمد آن را از حقوق زنان می‌داند (بستان، ۱۳۸۸، ص. ۶۱).

مقصود از نصیب نیز در آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی نساء<sup>۱</sup>، بهره‌ای است که هر کس، نسبت به درآمدهای خود از کشاورزی، تجارت و مانند آن می‌برد و لذا، زنان همانند مردان حق اشتغال در محدوده‌ی شریعت را دارند (طوسی، بی‌تا، ص. ۱۸۵ - طباطبایی حکیم، ۱۴۱۷ ق. ص. ۳۳۶ - فخر رازی، ۱۴۲۰ ق. ص. ۶۶ - مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص. ۱۶ - طبرسی، ۱۴۰۶ ق. ص. ۶۴). قرآن کریم، هر جا بر اهمیت یک امر مشترک میان زن و مرد تأکید دارد، آن را برای هر یک جداگانه ذکر می‌کند. در بسیاری از موارد، قرآن امر مشترک میان مرد و زن را با یک عبارت بیان می‌کند؛ اما در نمونه‌های برجسته، برای هر یک عبارت ویژه می‌آورد، از اینجا می‌توان دریافت که آزادی کسب و کار از اهمیت بسزا بهره دارد و گر نه خداوند می‌فرمود: «لکل نصیب مما اکتسب» (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص. ۳-۱۹۲).

در سیره‌ی معصومین (ع) نیز، اشتغال زنان با رعایت شرایط زمانه و حدود و شرایط شرعی امری پذیرفته‌شده است، طبق روایتی حضرت رسول اکرم (ص) به زنان جوان اجازه‌ی پهن کردن بساط دست‌فروشی را در دو عید فطر و قربان داده بودند<sup>۲</sup> (طوسی، ۱۳۹۰ ه.ق. ص. ۲۸۷). یکی از مشاغل مهم صدر اسلام که با توجه به توسعه‌نیافتگی صنعت، ریسندگی و بافندگی در آن زمان کاملاً قابل توجه است، نخ‌ریسی و پارچه‌بافی است که عمده‌ی زنان به آن اشتغال داشته‌اند. «أم حسن نخعی می‌گوید: حضرت علی (ع) در راه به من برخورد کرد و فرمود: ام حسن به چه کاری مشغولی؟ گفتم بافندگی می‌کنم. امام علی (ع) فرمودند: بدان که حلال‌ترین کسب است» (کلینی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۱).

علمای شیعه با تأسی به همین رویه، حضور زن در فعالیت‌های اقتصادی و استقلال مالی برای زنان را مورد تأیید قرار داده‌اند. سید یزدی و سید حکیم معتقدند: «اگر زن برای خدمت

۱. «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» نساء، آیه ۳۲.  
۲. «انما رخص رسول الله (ص) للنساء العواتق في الخروج في العيدين للتعرض في الرزق».

در مدت معینی تعهد و توان خود را اجاره دهد و پیش از انقضای این مدت ازدواج کند، اجاره و تعهد او باطل نمی‌شود، حتی اگر خدمت منافی بهره‌جویی شوهر و حقوق زناشویی باشد. در این حکم تفاوتی نیست شوهر در هنگام ازدواج تعهد زن را بداند یا نداند، زیرا دو حق اینجا هست: حق خدمت و حق شوهر، اگر جمع بین آن دو ممکن نباشد و تراحم کنند حق پیشتر که تعهد خدمت است، مقدم است چون اگر حقوق شرعی مزاحم هم شوند، ترجیح با حق سابق است؛ بنابراین شوهر نه حق اعتراض یا فسخ تعهد زن را دارد و همسر نیز ناشزه محسوب نمی‌شود» (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ ه.ق.، ص. ۳۲۱ - طباطبایی حکیم، ۱۴۱۷ ق.، ص. ۷۶).

مشهور فقهای امامیه، با اشتغال زنان موافقت حکمی دارند؛ هرچند که با توجه به دلالت التزامی آیات و روایات، اولویت را خانواده و همسرداری عنوان کرده‌اند. اهمّ ادله‌ی ایشان عبارت است از: ۱- نگاه شارع مقدس، استقلال مالی زن نسبت به درآمد خویش مورد تأیید قرار گرفته است و زنان می‌توانند به کسب درآمد بپردازند، ۲- در تفکر اسلامی، زنان هر قدر هم درآمد داشته باشند، در تأمین مخارج خانواده تکلیفی ندارند و ۳- از نظر اسلام، اگر زن در خانه یا در هر جای دیگر کار می‌کند، همان حقوقی را دارد که به مرد تعلق می‌گیرد (موسوی الخمینی، ۱۴۰۹ ه.ق.، ص. ۱۷۲ - جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص. ۳۲۴ - حکیم، ۱۴۱۶ ه.ق.، ص. ۳۶ - مغنیه، ۱۹۶۵، ص. ۲۶۴ - حیدری شیخ طبقی، ۱۳۹۲، ص. ۸-۶). ادله‌ی موافقان و مخالفان در این زمینه معارض نیستند و قابل جمع است، بنابراین اشتغال زنان به خودی خود، امری مباح است و جمع مباح و مستحب به این است که در صورتی که زن بین اشتغال در بیرون و کار در خانه مخیر باشد، مستحب است که کار در خانه را برگزیند و اگر مصلحت جامعه اقتضا کند که زن حتماً شاغل شود، استحباب کار در خانه از بین می‌رود، چرا که امر مستحب توان مقابله با امر واجب را ندارد (خیری، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۴ - نوری، بی‌تا، ص. ۹۹).

آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان یک فقیه و مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران، در زمینه‌ی اشتغال زنان معتقدند؛ «اسلام با کار کردن زنان نه تنها موافق است، بلکه تا آنجایی که با شغل اساسی او که مهم‌ترین شغل اوست؛ یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده، مزاحم نباشد، شاید

لازم هم می‌داند» (خامنه‌ای س.، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱). در فقه امامیه، زنان موظف به رسیدگی به فرزندان و تربیت آن‌ها هستند، در تمام مدت دو سال، حضانت فرزند با مادر است؛ اما هنگامی که مدت شیردهی تمام شود، پدر نسبت به حضانت به پسر و مادر نسبت به حضانت دختر تا هفت سالگی سزاوارتر است (نجفی، بی‌تا، ص. ۲۹۰). در کتاب بحارالانوار نیز ذکر شده که رسول اکرم (ص) در تقسیم کار بین حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) کار خانه را بر عهده‌ی حضرت زهرا(س) قرار داده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق.، ص. ۳۱ و ۸۱). در روایات بسیاری نیز بر اجر زنان در خانه‌داری و فرزندداری تأکید شده و جهاد زن، خوب شوهرداری او معرفی شده است (حر عاملی، بی‌تا، ص. ۲۳). لذا از مجموع آرای فقها و روایات مذکور می‌توان به اولویت‌داشتن همسرداری، فرزندداری، حفظ کانون خانواده و رسیدگی به آن، نسبت به اشتغال زنان دست یافت (عظیم‌زاده اردبیلی - غمامی، ۱۳۹۱، ص. ۴۴). سیاست اصلی اسلام در حفظ خانواده است و خانه‌داری برای زنان بر اشتغال اولویت دارد؛ اگرچه که اشتغال در خارج خانه نیز با حفظ حدود شرعی، مباح و روا دانسته شده است.

## ۵-۲- آیت‌الله خامنه‌ای: مدل الگوی سوم و اشتغال زنان

در گفتمان انقلاب اسلامی، تفاوت ما هوی به جهت شأن انسانی بین زن و مرد در نظر گرفته نشده است و از جهت کرامت بشری مساوی در نظر گرفته شده‌اند، به‌نحوی که هر دو حق انتخابگری، پیشرفت و حق تعیین سرنوشت دارند. از این جهت به نظر می‌رسد؛ در مقام نظر، بین گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان غربی حقوق بشر زنان شباهت مطلق وجود دارد؛ اما تعریف زن در جایگاه زندگی واقعی، در خانواده یا جامعه است که تفاوت‌ها را آشکار می‌کند. از این منظر، آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از پایه‌گذاران گفتمان انقلاب اسلامی و دارای عالی‌ترین منصب سیاست‌گذاری و اجرایی در آن، غرب را به نوعی استثمار زن در بعد اقتصادی و همچنین التذاذ جنسی از وی متهم می‌کند. از دیدگاه ایشان، غرب روندی را ترتیب داده که در آن زن از زن‌بودگی خود، دچار سرخوردگی بشود و همواره خودش را به جهت هویتی

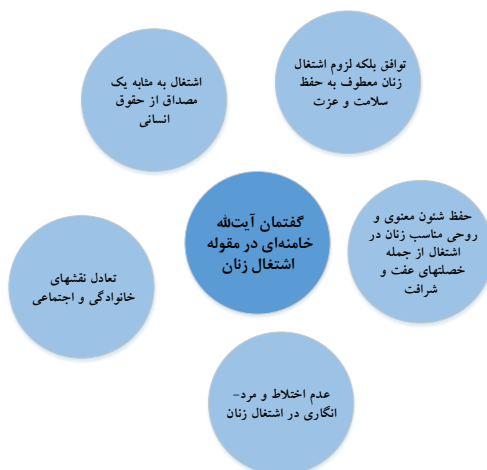
و توانمندی با مردان و استانداردهای مرد-محور مقایسه کند. به عبارتی، توانمندی، پیشرفت و توسعه‌ی وی در گرو تطبیقش با آن نوع استانداردهای جسمی و فکری است که این به زعم آیت‌الله خامنه‌ای، «خیانت» غرب به زن محسوب می‌شود. برای وارد کردن زن به چرخه‌ی اقتصاد سرمایه‌داری، بدین ترتیب، غرب طبقه‌بندی جنسیت را با اغراق، بزرگ کرده است و آن را به عنوان یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی شأن انسانی فرد، مورد تأکید قرار داده است؛ سپس، زن را به اصطلاح به ورطه‌ی «مرد‌واره» گی کشانده تا اثبات کند، به اصطلاح او را توسعه داده است.

ضمن تبیین این دیدگاه انتقادی، آیت‌الله خامنه‌ای بر مبنای اصول الهی، قوانین طبیعی و متکی بر اصل عدالت‌محوری تلاش می‌کند، تصویر متعادلی از مرد و زن در جایگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی را ترسیم کند (خامنه‌ای س.، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲). بر اساس این مبانی، آیت‌الله خامنه‌ای زنان ایرانی را از افتادن در دام برابری جنسیتی غربی برحذر می‌دارد و معتقد است: «نگاه صحیح به زن، نگاهی است که او را در چهارچوب جنس خود و ارزش‌های تعالی‌دهنده‌ی آن بشناسد» (خامنه‌ای س.، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲). بدین ترتیب، کمی‌سازی شاخص‌های توسعه و اشتغال برای زنان، برای مثال افتخار به تعداد بیشتر زنان در مناصب سیاسی، نیز از دیدگاه وی مطرود و تقلیل‌گرایانه است و برعکس، افزایش توسعه‌ی ظرفیت معنوی و افزایش تعداد زنان «روشنفکر و فعال فرهنگی و سیاسی و مجاهد» است که جای بالیدن و افتخار دارد (خامنه‌ای س.، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲).

آیت‌الله خامنه‌ای را باید یکی از اندیشمندان گفتمان انقلاب اسلامی دانست که گفتمان متبوع خویش را در کسوت یک نواندیش اسلامی نمایندگی می‌کند. با توجه به اینکه ایشان، اصول و اساس اندیشه‌ی خویش را از دین اسلام و مذهب جعفری اکتساب نموده است، موضوع زن نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به‌عنوان یکی از بخش‌های تشکیل‌دهنده‌ی منظومه‌ی

اندیشه‌ی وی به حساب می‌آید. ایشان معتقد هستند؛ همه به‌ویژه زنان، باید به موضوع زن از نظر اسلام دارای آگاهی کافی باشند تا بر اساس نظر والای اسلام از حقوق خود بتوانند، دفاع کنند. بنابراین بایسته است همه‌ی افراد در خصوص نقش اجتماعی زن، اشتغال و نقش وی در خانواده و جامعه را از دین مبین اسلام استنباط کنند (خامنه‌ای س.، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵).

معطوف به ارائه‌ی یک الگو با فهم دقیق آموزه‌های اسلام که هم بر عرف‌ها و رویه‌های فرهنگی محلی ظلم‌آور علیه زن پایان بدهد و هم به استثمار اقتصادی و التذاذ جنسی غرب، نقطه‌ی آغاز پردازش گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای از «الگوی سوم» است. اشتغال در این منظر، یک انتخاب فردی برای زن است و ایشان مردان، پدران و همسران را از محدود کردن زنان برای ورود به عرصه‌ی اجتماع برحذر می‌دارد. استخدام در مشاغل گوناگون، اشتغالات اجتماعی-سیاسی و ورود به عرصه‌های کنش‌گری داوطلبانه «همه» را «خوب» و قابل قبول ارزیابی می‌کنند. این، اما به معنای تفوق نگاه غربی نیست که در آن، با تطبیق هویت زن با کارهای اقتصادی یا پست‌های سیاسی پرمشغله، استاندارهایی بر زن بار شده که بسیار ظالمانه است. مطالعه‌ی حاضر، معطوف به نکاتی که ذکر شد، تلاشی است؛ برای احصاء و تبیین هسته‌های گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای در باب اشتغال زنان، امکان آن، هنجارها و موازین مترتب بر آن، حدود و ثغور ایجاد تعادل بین نقش‌ها، حقوق و وظایف و...، بنابراین، با مرور طیف وسیعی از ادبیات کتبی و شفاهی از بیانات و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای قابل دسترس محقق، چنان‌که در بخش منابع منعکس شده است، پر بسامدترین معانی و مفاهیم معنا بخش احصاء و در این بخش مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب، مهم‌ترین هسته‌های گفتمانی احصاء شده، چنانکه در نمودار زیر منعکس شده است، بیانگر تأکیدات و دیدگاه ویژه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله‌ی اشتغال زن خواهد بود.



### ۵-۳- اشتغال به‌مثابه یک مصداق از حقوق انسانی

آیت‌الله خامنه‌ای در نگاه به ظرفیت زن برای پیشرفت، خواه در آموزش، فعالیت اجتماعی و سیاسی، اشتغال و مشارکت اقتصادی یا هر عرصه‌ای که به صورت عادی برای مرد قابل تصور است، هیچ تفاوتی با مرد قائل نیست و به تصریح معتقد است هر کس بگوید، مرد می‌تواند این امور را انجام بدهد و زن نمی‌تواند؛ «منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است» (خامنه‌ای س. ، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲). ایشان در توضیح این موضع معتقد هستند: «از نظر اسلام، در همه‌ی این فعالیت‌های مربوط به جامعه‌ی بشری و فعالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه‌ی مشترک و همسان هستند» (خامنه‌ای س. ، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲). هر چند وی تناسب با مقتضیات طبیعی و تعادل در تقسیم کار را هم دو فاکتور تعیین‌کننده در این باب می‌داند که به آن پرداخته خواهد شد...

### ۵-۳- توافقی بلکه لزوم اشتغال زنان معطوف به حفظ سلامت و عزت ایشان

طبق دیدگاه بسیاری از دانشمندان اسلامی، حضور زنان در جامعه با حفظ حدود و شئون

اسلامی امری مباح است، اما محدود به اصولی است که می‌بایست رعایت گردد (زیبائی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص. ۱۸). آیت‌الله خامنه‌ای از این نوع تفاسیر فراتر رفته است، اشتغال زن را تا مرز لزوم آن می‌پذیرد، هر چند اتمسفر مناسب خانوادگی و اجتماعی را مورد غفلت قرار نمی‌دهد: «اسلام با کار کردن زنان نه تنها موافق است، بلکه تا آنجا که با شغل اساسی او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده مزاحم نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد؛ اما این کار باید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات نداشته باشد. باید زن را دلیل نکند. زن را وادار به تواضع و خشوع نکند (خامنه‌ای س. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱).

برای صیانت از جایگاه زن در پیچ‌وتاب‌های سودآوری و منفعت‌طلبی بازار کار، بنابراین، آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد فعالیت‌ها و مشغله‌های زن با موقعیت «اخلاقی» و «جسمی» وی تطبیق داشته باشد. این امر، بحث سلب یا ایجاب صرف نیست؛ بلکه مربوط به ایجاد یک تقسیم کار متعادل «بر حسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای کار» است (خامنه‌ای س. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱).

تناسب شغل با ویژگی‌های زنانه، یکی از احکام بدیهی عقل این است که باید مشاغل بر مبنای توانایی به افراد سپرده شود و هر کس برای هر کاری قابلیت بیشتری دارد. این امر حتی در بین استعدادهای انسانی در یک جنس، امری بدیهی و عقلانی است، چه رسد به دو جنس متفاوت زن و مرد. بنابراین، بعضی مشاغل برای بانوان جایز است، اما متناسب نیست و طبیعت زنانه را دستخوش تغییر قرار می‌دهد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۷۴، ص. ۲۶۴). طباطبائی (ره) در تفسیر آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نساء<sup>۱</sup> می‌نویسد: «خدای متعال در کتابش بیان کرده که همه‌ی مردم از زن و مرد، فروع اصلی انسانی واحدی و اجزای طبیعت یگانه‌ی بشری‌اند و این امر مخالفی ندارد، با اینکه هریک از این دو گروه را با ویژگی‌هایی اختصاص داده است، مانند اختصاص نوع مردان به شدت و قوت و اختصاص طبیعت زنان به نرمی و عواطف؛ زیرا طبیعت انسان در

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لَتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا تَنَبَّأْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» نساء، آیه ۱۹.

حیات تکوینی و اجتماعی‌اش همانگونه که نیازمند بروز شدت و قوت است، به جریان مهرورزی و رحمت نیز محتاج است» (طباطبائی، بی تا، ص. ۲۵۶).<sup>۱</sup>

آیت‌الله خامنه‌ای در راستای همین منطقی معتقد هستند: «بعضی از مشاغل هست، متناسب با ساخت زن نیست، خب اینها را دنبال نکنند. یکی از کارها این است که آن تحصیلاتی را که به آن مشاغل منتهی می‌شود، بر زن تحمیل نکنند» (خامنه‌ای س.ع، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳). این تقسیم کار را یک امر منطقی، برای دستیابی به یک نفع جمعی و تأمین مصلحت همگان تلقی می‌شود؛ لذا، پذیرش نقش‌های مختلف، نظیر یک تیم ورزشی با پست‌های متفاوت، به معنای بزرگ یا کوچک شمردن یکی در مقابل دیگری نیست (خامنه‌ای س.ع، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳).

یکی از مفاهیم کلیدی در این رابطه، تفکیک مقوله‌ی تبعیض از بی‌عدالتی است. آیت‌الله خامنه‌ای، سوق دادن زنان به سوی رشته‌های دانشگاهی و مشاغلی که نهایتاً، زنان را به ورطه‌ای ناسازگار با «طبیعت زنانه» می‌کشاند را سخت مورد انتقاد قرار می‌دهد و صرف تبعیض نامیدن چنین تقسیماتی را مغایر با عدالت اجتماعی نمی‌داند. در این باره، معیار تعیین‌کننده‌ی مشی صحیح از منظر وی «تناسب با طبیعت الهی» است نه هنجارهای مدرنی که زن را مجبور به پذیرش مشاغل مردانه می‌کند (خامنه‌ای س.ع، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳).

#### ۴-۵ - حفظ شئون معنوی و روحی مناسب زنان در اشتغال از جمله خصلت‌های عفت و شرافت

آیت‌الله خامنه‌ای، عفت زن را مهم‌ترین ویژگی شخصیتی او می‌داند و توصیه می‌کند که

۱. در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی مصوب شورای انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳، سیاست اشتغال بانوان؛ چنین ذکر شده که؛ بنای اساسی منشور بر این اعتقاد بنیادین استوار است که در اسلام، زن و مرد در فطرت، سرشت و انسانیت برابر هستند ولی خلقت خداوند برای هر یک نقش‌ها و حقوق و تکالیف متفاوتی در نظر گرفته که لازمه‌ی حیات بشری است و لذا، قوانین مربوط به زنان نیز باید بر این مبنا تنظیم گردد.



همه‌ی فعالیت‌ها در حوزه‌ی زنان با توجه به این ویژگی زنان باشد: «حفظ عفت به معنای حفظ روح از هرگونه ناپاکی بوده و توجه ابتدایی به این موضوع نشان‌دهنده‌ی اهمیت رشد معنوی زن در گفتمان انقلاب اسلامی است» (خامنه‌ای س.، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶). بر همین اساس، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، فعالیت‌هایی ارزشمند است که «ناظر به رشد زن در ابعاد انسان کامل» باشد وگرنه، حتی رشد صرف ابعاد مادی، پیشرفت واقعی به حساب نمی‌آید (خامنه‌ای س.، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶).

همچنین، حفظ شرافت زن به معنای صیانت از بزرگواری و بلند مرتبگی او به ویژه در انتخاب و انجام شغل و فعالیت‌های اجتماعی از دیگر دغدغه‌های آیت‌الله خامنه‌ای است. وی در ریشه‌یابی این واژه به قوت و رفیع‌بودن جایگاه زن اشاره دارد و بروز شرافت و عفت را در حجاب زن جستجو می‌کند (خامنه‌ای س.، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، هنگامی که زن صفت شرف را برای خود برانگیزد، با قوت می‌تواند تعادل میان خانواده با فعالیت‌های اجتماعی را برقرار کند. حضور اجتماعی آن، صرف پذیرش یک حرفه نیست، این شاید در جهی بالایی نباشد؛ بلکه این نوع زنان قابلیت درنوردیدن «ساحت ولایت اجتماعی» و «جهانی‌کردن جهاد اجتماعی» و «درهم‌شکستن بن‌بست‌های بزرگ» را پیدا می‌کنند (خامنه‌ای س. ع.، پیام به کنگره‌ی «هفت هزار زن شهید کشور»، ۱۳۹۶).

## ۵-۵- تعادل نقش‌های خانوادگی و اجتماعی

جایگاه زنان در گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر بیانات رهبر انقلاب اسلامی، جایگاهی در متن و مرکز و نه در حاشیه، قرار دارد. این نقش محوری برای وی از این حیث است که زن در سه عرصه‌ی اصلی می‌تواند، فعال عمل کند؛ عرصه‌ی رشد و تهذیب در ساحت فردی، عرصه‌ی خانه‌ی سالم و خانواده‌ی متعادل و عرصه‌ی ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر.

در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، حضور اجتماعی و احترام به توانمندی‌ها و انتخاب فردی زن، منافاتی با حضور و ایفای نقش وی در خانواده، به‌ویژه در مقام مادری ندارد؛ بلکه این دومی یک اولویت فرهنگی-اجتماعی محسوب می‌شود. «تقویت نهاد خانواده» و «تکریم و احترام زنان در خانه» که به نظر ایشان باید در ابعاد گوناگون از جمله تقنینی، فکری و معاشرتی رو به تکامل باشد، دقیقاً نقطه‌ی مقابل فرهنگ غرب است که هرگونه بحث از پایبندی به خانواده<sup>۱</sup> domesticity را منتسب به نوعی ذهنیت از خود تهی، احساساتی صرف و غیرمعقول و به معنای اسیرکردن زن در خانه کرده است (فریدمن، ۱۳۸۱). در اینجا برعکس، آیت‌الله خامنه‌ای اصرار دارد؛ نقش زن در خانواده، به‌ویژه در ظرفیت مادری را سنگ بنای خانواده و جامعه معرفی کند و برعکس فرهنگ جنسیتی غالب غربی که این را یک «توهین» فرض می‌کند، انتخاب اولویت نقش مادری و بازتنظیم شغل و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در تعادل با آن را نشانه‌ی عقلانیت و بلوغ می‌داند. بدین ترتیب، با طرح این چارچوب نظری کلی با عنوان «الگوی سوم» زنانگی، مقاله‌ی حاضر در بخش بعد متن گفتمانی انقلاب اسلامی به‌طور کلی، و هسته‌های گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین مواضع نسبت به اشتغال زن و هنجارها و استانداردهای مترتب بر آن را مورد بررسی قرار خواهد داد.

در حوزه‌ی حیات خانوادگی، محور و کانون خانواده زن است. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «مدیر خانواده زن است، محور کانون خانواده زن است، مهم‌تر از همه‌ی مشاغل زن، مادری، همسری و ایجاد آرامش و سکینه است. مایه‌ی سکونت و آرامش است. این خصوصیت زن در اسلام است» (خامنه‌ای س.، بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶).

در عین حال، آیت‌الله خامنه‌ای کار بدون تزاخم با مادری و همسری را برای زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور، بسیار روا دانسته و مطلوب ارزیابی می‌کند. ایشان شغل را به مشاغل اقتصادی صرف تقلیل نمی‌دهد؛ بلکه اشتغالات سیاسی و اجتماعی و فعالیت‌های خیرخواهانه را نیز مشغله‌های مثبت و گزینه‌های در اختیار زنان ارزیابی می‌کند (خامنه‌ای س.، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰). باور به توان زنان برای ایجاد این تعادل، ولو با

پذیرش سختی و مجاهدت در این مسیر از دیگر ایده‌های ایشان است که به نظر می‌آید، به عنوان یک رهبر عالی سیاسی امری مهم تلقی شود. او در این مورد، مثالی ارائه می‌کند؛ مانند مادرائی که ضمن ایفای نقش فرزندآوری، خانه‌داری، تربیت کودکان، به تحصیل و اشتغال هم پرداخته‌اند، اما آنچه وی به آن اصالت می‌دهد و آن را «قضیه‌ی اصلی» می‌خواند، همان اولویت خانواده و ایجاد تعادل است، چنان‌که، نسل‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد: «شما اگر بچه‌ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخ‌های ابریشم ظریف‌تر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده‌ی [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند» (خامنه‌ای س.، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰).

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های متعدد نشان داده است که همزمان رویکردهای افراطی و تفریطی را در مقوله‌ی اشتغال زنان مردود می‌داند: «تعطیل فعالیت اجتماعی و اشتغال به نفع خانواده‌داری صرف یا رهاکردن خانواده به سود اشتغال؛ بلکه مدل موفق اینگونه است که اشتغال زنان در محیطی امن و مناسب در جهت تحقق اهداف خانواده صورت بگیرد و مغایرتی با وظیفه‌ی مادری و همسری نداشته باشد» (خامنه‌ای س.، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵).

آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت همین نگاه، سیاست‌های کلی اشتغال را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۹۰ تعیین کردند که بر مبنای آن بین زن و مرد در ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه‌ی فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان و آینده‌نگری نسبت به تحولات آن‌ها در سطح ملی تفاوتی وجود ندارد، اما باید اولویت حفظ خانواده لحاظ گردد. همچنین ایشان در سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغ شده در سال ۱۳۹۳ اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره‌ی بارداری، شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان را برای کلیه‌ی زنان کشور امری ضروری دانسته‌اند.

## ۵-۶- عدم اختلاط و مرد انگاری در اشتغال زنان

در راستای تأمین محیط امن و تکامل شخصیت زن در عین قوام شخصیت اجتماعی - اقتصادی وی، تأکید ویژه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای بر عدم اختلاط محرم و نامحرم است. بخشی از این مفهوم اختلاط بر مصادیقی مانند تنظیم روابط زن و مرد در محیط کار بر مبنای فضای سالم جنسیتی استوار است، اما این موضوع بُعد دیگری نیز دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ عدم تحدید زنان در انتخاب مشاغل با ذات مردانه و توجه به تناسب با ویژگی‌های جسمی و روحی زنان. به عبارتی، ایشان منتقد این روند استثمار زن در چارچوب‌های مردانه در فرهنگ اشتغال مدرن است که زن را ناگزیر می‌کند؛ برای اثبات توانمندی اجتماعی و اقتصادی خود به اثبات برساند، قادر است همسان مرد باشد (خامنه‌ای س.ع.، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳).

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با وقوع انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی در ایران، همواره پروپاگاندای ادبیات غربی، اعم از دانشگاهی و رسانه‌ای، علیه جمهوری اسلامی بر موضوع حقوق بشر زنان متمرکز بوده است و این در حالی است که نگاه پدیدارشناسانه‌ای از آن سوی، نسبت به دیدگاه واقعی بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی نسبت به حقوق و آزادی‌های زنان کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است. موضوع اشتغال زنان که نمایانگر توانمندسازی اقتصادی و مشارکت سازنده‌ی اجتماعی زن در گفتمان مدرن به حساب می‌آید، یکی از کانون‌ها و نقاط کلیدی این بحث است که فهم آن می‌تواند در فهم کلی، از این گفتمان نوظهور در بستر انقلاب اسلامی کمک کند. از این‌رو، مطالعه‌ی حاضر با بررسی و تحلیل دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله‌ی اشتغال زن، حقوق و دقایق فردی و اجتماعی مترتب بر آن، تلاش نموده، هسته‌های گفتمانی آن را احصاء کند. در این مسیر، رویکرد روشی مشابه لاکلا و موف (۲۰۰۱) در تحلیل گفتمان به کار گرفته شده است و ضمن ارائه‌ی متن اجتماعی و آموزه‌های اسلامی و فقهی شیعی که بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در آن امکان وقوع داشته، با مرور طیف وسیعی از سخنرانی‌های ایشان، هسته‌های

قوام‌بخش این گفتمان را احصاء و برجسته کرده است.

از این منظر، بر اساس دیدگاه فقه امامیه، اشتغال زنان با حفظ حدود شرعی کاملاً مجاز شناخته شده است؛ زیرا در نگاه شارع مقدس، استقلال مالی زن نسبت به درآمد خویش مورد تأیید قرار گرفته و زنان می‌توانند به کسب درآمد بپردازند. هر چند، زنان هر قدر هم درآمد داشته باشند، در تأمین مخارج خانواده تکلیفی ندارند و صیانت اقتصادی از خانواده، وظیفه شرعی مرد است.

بررسی تفکرات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد؛ در بستر این فرهنگ، ایشان نیز نه تنها بر امکان وقوع، بلکه لزوم اشتغال زن تأکید دارد. چنانکه مطالعه‌ی حاضر نشان می‌دهد؛ گفتمان ایشان در امر اشتغال زنان با ۵ هسته‌ی اصلی قابل بازشناسایی است؛ اشتغال به مثابه‌ی یک مصداق حقوق انسانی، توافق بلکه لزوم اشتغال زنان معطوف به حفظ سلامت و عزت ایشان، حفظ شئون معنوی و روحی مناسب زنان در اشتغال از جمله خصلت‌های عفت و شرافت، تعادل نقش‌های خانوادگی و اجتماعی و عدم اختلاط و مرد-انگاری در اشتغال زنان.

بر اساس هسته‌های گفتمانی احصاء شده، اشتغال برای آیت‌الله خامنه‌ای بر خلاف فرهنگ مدرن و کاپیتالیستی یک امر صرفاً اقتصادی برای به‌کارگیری نیروی کار زنان نیست؛ بلکه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حضور زن در جامعه قابل توجه و لازم است. انتخاب زن در اینجا اهمیت دارد و آیت‌الله خامنه‌ای برای زن، عاملیت ویژه‌ای قائل است که او را مخیر می‌کند، بین شغل صرف کسب درآمد، فعالیت‌های سیاسی یا اشتغال‌ات خیرخواهانه و داوطلبانه اجتماعی انتخاب و گزینش کند.

بنابراین، نگاه صرف اقتصادی و بهره‌کشی کارگرگونه از زن از منظر ایشان مطرود و ظالمانه است. به تبع این نگاه آزاداندیشانه به اشتغال زن، تکامل و صیانت از حریم و شخصیت او به معنای سلامت جسم و روح، شئون معنوی، عزت، مصلحت فردی، رعایت عفت و شرافت وی به ملزومات اصلی اشتغال زن تبدیل می‌شود.

علاوه بر سطح فردی، حضور اقتصادی-اجتماعی زنان باید توأم با تعادل نقشی در نظر

گرفته شود و در این نگاه بر خلاف گفتمان مدرن زن در سطح فردگرایانه صرف و سلولی باقی نمی‌ماند. زن در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، انسان متكاملی است که قادر است، بین لایه‌های همسری، مادری و شهروندی خود تعادل برقرار کند. در این منظومه، صرف داشتن شغل و درآمد یک فضیلت نیست، هرچند در عین حال، مردان بارها از سوی ایشان مورد خطاب قرار گرفته‌اند که زنان را در مسیر داشتن فعالیت و اشتغال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمک کنند و مانع نشوند. در این نگاه، رشته‌ی عواطف بشری و حفظ کانون خانواده به عنوان زیربنای جامعه برای نسل‌های متمادی و نه صرفاً در نگاه کوتاه مدت مورد نظر بوده است.

دیگر نقطه‌ی کانونی گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله‌ی اشتغال زنان که موجب ایجاد یک مسئولیت خطیر برای سیاست‌گذاران و بخش‌های اجرایی جامعه است، تأمین امنیت جسمی، روانی زن و صیانت از تمامیت هویتی او در محیط اشتغال زن است. در بخش سلبی، ایشان سوق دادن زن به پذیرش شغل‌های غیرعزت‌مند و غیرشریف را برای کسب درآمد به شدت نهی می‌کند. این تجربه در غرب از منظر ایشان وجود دارد که زن را تا پذیرش روسپیگری به‌عنوان یک شغل پیش برده است. به‌علاوه، این وظیفه‌ی بسترسازان اشتغال زن است که طوری سیاست‌گذاری کنند که زنان را برای رفع نیازهای خود به جهت اجتماعی مجبور به پذیرش شغل‌های مردانه نکنند؛ یعنی، موقعیت جسمی و روانی زن، قربانی اثبات خودش و توانمندی‌هایش در قالب انجام کارهای سنگین و دشوار مناسب برای مردان نشود. از این منظر، بحث عدم اختلاط با نامحرمان و ایجاد محیط‌های امن دور از دسترس و استثمار جنسی زن برای التذاذ مرد ضروری است.

این امر البته، ابعاد ایجابی نیز دارد که نمونه‌ی آن ایجاد روشی ترکیبی و خلاقانه با قالب‌های متنوع برای زنان با شرایط فردی و خانوادگی متکثر است. برای مثال، فراهم کردن زمینه‌ی اشتغال در کارهای نیمه‌وقت، پاره‌وقت یا دورکاری، توسعه‌ی آموزش بانوان و هدفمند کردن تسهیلات اشتغال بانوان از جمله‌ی این روش‌ها و قالب‌های اشتغال است که در بیانات و سیاست‌های ابلاغی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای مورد نظر بوده است.

در نهایت، علی‌رغم شفافیت گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله‌ی اشتغال زنان و تأکید ایشان بر تسهیل این مسیر و انعطاف سیستمی در برقراری محیطی ایمن و سرشار از گزینه‌های متعدد و توانمندساز زنان برای پرورش استعداد‌های فردی و شکوفایی اجتماعی و اقتصادی، به نظر می‌رسد هنوز در سیاست‌گذاری، اجرای قوانین و رویه‌های عملیاتی فاصله‌ی بسیاری تا تأمین این مدل فکری وجود دارد. لذا، برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود ابعاد کارکردی گفتمان احصاء‌شده در مطالعه‌ی حاضر مورد بررسی و نقد قرار بگیرد.

## منابع

- بستان، ح. (۱۳۸۸)، نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، قم: زیتون.
- جهان‌بزرگی، ا؛ نبوی، م. و غلامی، ر. (۱۳۸۸)، میزگرد: تحلیل گفتمانی نظریه انقلاب اسلامی، زمانه، ۸۴ و ۸۵، ۴-۱۵.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۷۵)، زن در آئینه جمال و جلال، قم: اسراء.
- حر عاملی، م. (بی‌تا)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: اهل‌البیت (ع).
- حکیم، م. (۱۴۱۶ ه.ق)، الاصول العامه للفقہ المقارن. بیروت: دار الاندلس.
- حیدری شیخ‌طبعی، پ. (۱۳۹۲)، جایگاه اشتغال زنان در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، دبیرخانه دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (ص. ۸۰۳-۸۱۹)، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۷۱، ۲۵ ۹)، بیانات در دیدار جمعی از زنان، بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>: <https://khl.ink/f/2645>
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۷۵، ۱۲ ۲۰)، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>: <https://khl.ink/f/7284>
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۷۶، ۳۰ ۷)، بیانات در دیدار جمعی از زنان، بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>: <https://khl.ink/f/2859>
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۰، ۱۰ ۱۴)، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>: <https://khl.ink/f/18453>
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۲، ۲۱ ۲)، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>: <https://khl.ink/f/22536>
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۶، ۱۷ ۲)، بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>: <https://khl.ink/f/36431>
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۳، ۳۰ ۱)، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، بازیابی



از <https://farsi.khamenei.ir/>: <https://khl.ink/f/26155>

• خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۶، ۱۶۱۲)، پیام به کنگره‌ی «هفت هزار زن شهید کشور»، بازیابی

از <https://farsi.khamenei.ir/>: <https://khl.ink/f/22138>

• خیری، ی. (۱۳۸۵)، اشتغال زنان و پیامدهای آن، مباحث بانوان شیعه، تهران: نور.  
• دهخدا، ع. ا. (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، تدوین‌کنندگان: محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

• زیبایی‌نژاد، م. ر. (۱۳۹۴)، فمینیسم، در حمیدرضا حسنی، اسماعیل آقابابایی، و علیرضا شالباف (تدوین‌کنندگان)، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی: ترجمه و نقد تعدادی از مقالات دایره‌المعارف فلسفی روتلیج (عباس یزدانی، و بهروز جندقی، مترجم)، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

• زیبایی‌نژاد، م. ر. و سبحانی، م. ت. (۱۳۸۸)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب)، قم: دار الثقلین.

• سعیدزاده، س. م. (۱۳۸۷)، مشاغل زنان در عصر رسالت (۲)، قم: موسسه‌ی فرهنگی و

اطلاع‌رسانی تبیان، بازیابی از <https://library.tebyan.net/fa/77435>

• صالحی نجف‌آبادی، ن. ا. (۱۳۷۴)، قضاوت زن در فقه اسلامی، در مجموعه مقالات کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (س) - مسائل مستحدثه (۲) (جلد جلد دوازدهم، ص. ۲۲۶-۲۶۷)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

• طباطبایی حکیم، س. م. (۱۴۱۷ ق.)، مستمسک عروهی الوثقی، قم: دار التفسیر.  
• طباطبائی یزدی، م. ک. (۱۴۰۹ ه.ق.)، عروهی الوثقی، بیروت: موسسه الاعلمی المطبوعات.  
• طباطبائی، س. م. ح. (بی‌تا)، المیزان، تهران: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی.  
• طبرسی، ف. (۱۴۰۶ ق.)، مجمع البیان، بیروت: دار المعرفه.  
• طوسی، م. (۱۳۹۰ ه.ق.)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.  
• طوسی، م. (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الإحياء تراث العربی.

- عظیم‌زاده اردبیلی، ف. (۱۳۹۱)، اشتغال و مالکیت زنان، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عظیم‌زاده اردبیلی، ف. و غمامی، ز. س (۱۳۹۱)، مطالعه فقهی - حقوقی اولویت‌سنجی اشتغال و خانه‌داری زنان در نظام حقوقی ایران، مطالعات دولت اسلامی (۲)، ۳۹-۶۵.
- فخر رازی، م. (۱۴۲۰ ق.)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فریدمن، ج. (۱۳۸۱)، فمینیسم، (ف. مهاجر، مترجم) تهران: آشیان.
- قیطانچی، ا. (۱۳۹۰)، موجهای فمینیسم، تهران: توسعه.
- کلینی، م. (۱۳۸۵)، الکافی (جلد ۱)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۲)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مجلسی، م. ب. (۱۴۰۴ ه.ق.)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
- مطهری، م. (۱۳۷۸)، نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا.
- مغنیه، م. ج. (۱۹۶۵)، الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت: دار العلم.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، س. ر. ا. (۱۴۰۹ ه.ق.)، تحریر الوسیله، نجف الاشرف: آداب.
- نجفی، م. ح. (بی‌تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم: اهل البيت (ع).
- نوری، ح. (بی‌تا)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: احیاء.
- Ahmed, L. (1992). Women and gender in Islam: Historical roots of a modern debate. New Haven: Yale University Press.
- Bahramitash, R. (2003). Revolution, Islamization, Women's Employment in Iran. The Brown Journal of World Affairs, 9(2), 229-241. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/24590480>
- Dörfler, T. (2002). Postmodern practices: Beiträge zu einer vergehenden Epoche. Hamburg, London: LIT Verlag Munster.

- Dowding, K. (2011). *Encyclopedia of power*. Thousand Oaks, Calif: SAGE.
- Fraser, N. & Bartky, S. L. (Eds.) (2016). *Revaluing French Feminism- Critical Essays on Difference, Agency, and Culture*. Bloomington & Indianapolis: Indiana University Press.
- Galloway, S. D. (2014). *The Impact of Islam as a Religion and Muslim Women on Gender Equality: A Phenomenological Research Study*. Florida: Nova Southeastern University.
- Hyke, B. (2014). *Race, Gender and Cultural Politics*. Boston: MA.
- Mir-Hosseini, Z. (2007). Religious modernists and the woman question. In E. Hooglund, *Twenty years of Islamic revolution: Political and social transition in Iran since* (pp. 74-95). NY: Syracuse University Press.
- Mouffe, C. & Laclau, E. (2001). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London, NY: Verso Trade.
- Najmabadi, A. (1998). Feminism in an Islamic Republic. In Y. Haddad, & J. Esposito, *Islam, Gender, & Social Change* (pp. 59-84). NY: Oxford University Press.
- Torfing, J. (1999). *New theories of discourse Laclau, Mouffe and Zizek*. London: Wiley-Blackwell.

## References

- Ahmed, L. (1992). *Women and gender in Islam: Historical roots of a modern debate*. New Haven: Yale University Press.
- Azimzade Ardabili, F. (2013). *Employment and ownership of women*. Tehran: University of Imam Sadeq. (in Persian)
- Azimzade Ardabili, F. & Ghamami, Z. S. (2013). Jurisprudential-legal study of prioritizing women's employment and housekeeping in the Iranian legal system. *Legal Studies of the Islamic State of the First Year of Winter 2012*. No. 2. 39-65. (in Persian)
- Bahramitash, R. (2003). Revolution, Islamization, Women's Employment in Iran. *The Brown Journal of World Affairs*, 9(2), 229-241. <https://www.jstor.org/stable/24590480>
- Boştan, H. (2010). *Inquality and sexual oppresion from the perspective of Islam and feminism*. Qom: Zeytoon.
- Dehkhoda, A. (1993). *Dehkhoda Dictionary*. under the supervision of Mohammad Moin and Jafar Shahidi, Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran. (in Persian)
- Dörfler, T. (2002). *Postmodern practices: Beiträge zu einer vergehenden Epoche*. Hamburg, London: LIT Verlag Munster.
- Dowding, K. (2011). *Encyclopedia of power*. Thousand Oaks, Calif: SAGE.
- Fraser, N. & Bartky, S. L. (Eds.) (2016). *Revaluing French Feminism- Critical Essays on Difference, Agency, and Culture*. Bloomington & Indianapolis: Indiana University Press.
- Friedman, J. (2003). *Feminism*. Trans. By F. Mohajer, Tehran: Ashian. (in Persian)

- Galloway, S. D. (2014). *The Impact of Islam as a Religion and Muslim Women on Gender Equality: A Phenomenological Research Study*. Florida: Nova Southeastern University.
- Gheytonchi, E. (2011). *The Waves of Feminism*. Tehran: Tose'e. (in Persian)
- Giddens, A. (1993). *Sociology*. Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Hakim, M. (1995). *The principles of the public in comparative jurisprudence*. Beirut: Dar Al-Andalus. (in Persian)
- Heydari Sheikh Tabaghi, P. (2013). *The position of women's employment in the Islamic-Iranian model of progress*. Vice President for Strategic Planning and Oversight, Conference on the Iranian Islamic Model of Progress, Vol. 2, 803-819. (in Persian)
- Hur Ameli, M. (n.d.). *Details of Shiite means to study Sharia issues*. Qom: Ahl Al-Beyt. (in Persian)
- Hyke, B. (2014). *Race, Gender and Culthral Politics*. Boston: MA.
- Jahanbozorgi, A- Nabavi, M. & Gholami, R. (2009). *Discourse Analysis of the Theory of the Islamic Revolution*, *Zamaneh*, 84 & 85: 4-15. (in Persian)
- Javadi Amoli, A. (1996). *Woman in the Mirror of Glory and Beauty*. Qom: Asra'. (in Persian)
- Khamenei, S. A. (10 March 1997). *Statements in the Khuzeestan Women's Association*, <https://khl.ink/f/7284>. (in Persian)
- Khamenei, S. A. (11 May 2013). *Statements in a group meeting of educated seminary and university women*, <https://khl.ink/f/22536>. (in Persian)
- Khamenei, S. A. (16 December 1992). *Statements in a group meeting*

- of women, <https://khl.ink/f/2645>. (in Persian)
- Khamenei, S. A. (19 April 2014). Statements in a group meeting of the country's selected women, <https://khl.ink/f/26155>. (in Persian)
  - Khamenei, S. A. (22 October 1997). Statements in a group meeting of women, <https://khl.ink/f/2859>. (in Persian)
  - Khamenei, S. A. (4 January 2012). Statements at the Third Session of Strategic Thoughts, <https://khl.ink/f/18453>. (in Persian)
  - Khamenei, S. A. (6 March 2013). Message to the Congress of "Seven Thousand Women Martyrs of the Country", <https://khl.ink/f/22138>. (in Persian)
  - Khamenei, S. A. (7 May 2017). Statements in the meeting of teachers and educators, <https://khl.ink/f/36431>. (in Persian)
  - Kheyri, Y. (2006). Women's employment and its consequences. Tehran: Noor. (in Persian)
  - Khomeini, S. R. (1989). Tahrir al-Wasilah. Najaf Al-Ashraf: Aaadab. (in Persian)
  - Kulayni, M. (2006). Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kotob Al-Islamiya. (in Persian)
  - Majlisi, M. B. (1984). Behar Al-Anwar. Beirut: Al-Wafa Institute. (in Persian)
  - Makarem Shirazi, N. (2002). Tafsir Nemooneh. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiya. (in Persian)
  - Mir-Hosseini, Z. (2007). Religious modernists and the woman question. In E. Hooglund, Twenty years of Islamic revolution: Political and social transition in Iran since (pp. 74-95). NY: Syracuse University Press.
  - Motahari, M. (2000). The System of Women's Rights in Islam. Qom:

Sadra. (in Persian)

- Mouffe, C. & Laclau, E. (2001). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London, NY: Verso Trade.
- Mughniyeh, M. J. (1965). *Jurisprudence on the five religions*. Beirut: Dar Al-Elm. (in Persian)
- Najafi, M. H. (n.d.). *Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam*. Qom: Ahl Al-Beyt. (in Persian)
- Najmabadi, A. (1998). *Feminism in an Islamic Republic*. In Y. Haddad, & J. Esposito, *Islam, Gender, & Social Change* (pp. 59-84). NY: Oxford University Press.
- Noori, H. (n.d.). *Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il*. Qom: Ihya'. (in Persian)
- Razi, F. (1999). *Tafsir al-Kabir*. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi. (in Persian)
- Saeedzadeh, S. M. (2008). *Jobs for women in the age of mission* (2). Qom: Tebyan Cultural and Information Institute. (in Persian)
- Salehi Najafabadi, N. (1995). *Proceedings of the Congress on the Study of the Jurisprudential Principles of Imam Khomeini (PBUH)*. Vol. 12 - *New Issues* (2). Tehran: Imam Khomeini Publishing House. 226-267. (in Persian)
- Tabarsi, F. (1986). *Majma 'al-Bayyan*. Beirut: Dar Al-Ma'rifa. (in Persian)
- Tabatabai Hakim, S. M. (1996). *Mostamsak Al-Urwa Al-Wothqa*. Qom: Dar Al-Tafsir. (in Persian)
- Tabatabai Yazdi, M. K. (1989). *Al-Urwa Al-Wothqa*. Beirut: Mu'asisa Al-A'lami Al- Matbu'at. (in Persian)

- Tabatabai, S. M. H. (n.d.). Al-Mizan. Tehran: Scientific and intellectual foundation of Professor Allameh Mohammad Hossein Tabatabai. (in Persian)
- Torfing, J. (1999). New theories of discourse Laclau, Mouffe and Zizek. London: Wiley-Blackwell.
- Tusi, M. (1970). Tahdhib al-Ahkam. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiya. (in Persian)
- Tusi, M. (n.d.). Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi. (in Persian)
- Zibaeinejad M. R. & Sobhani M. T. (2009). An Introduction to the System of Female Personality in Islam (A Comparative Study of the Perspectives of Islam and the West). Qom: Dar Al-Saqalayn. (in Persian)
- Zibayi Nejad, M. R. (2015). Feminism. In H. R. Hasani, I. Aghababayi & A. R. Shalbaf. Feminism and Feminist Sciences: Translating and Criticizing Some of Rutledge's Philosophical Encyclopedia Articles. Trans. By A. Yazdani & B. Jandaghi, Qom: Office of Women Studies and Research. (in Persian)